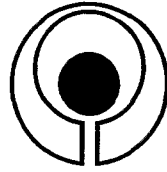


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۸۷/۱/۱۰۲۷۳۲
۸۷/۱/۹



دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده

عنوان:

رابطه سبک های هویت و خود کارآمد پنداری (فردی و جمعی): مقایسه
دانش آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و افغانی ساکن قم

پژوهشگر:

سهراب عبدی زرین

استاد راهنما:

دکتر نسترن ادیب راد

اساتید مشاور:

دکتر سید جلال یونسی

دکتر علی عسگری

کتابخانه و اطلاع رسانی مرکز علمی پژوهشی
دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

۱۳۸۷ / ۷ / ۱۹

شهریور ۱۳۸۷

این پایان نامه با حمایت مالی سازمان ملی جوانان صورت گرفته است

شماره ثبت:

۳۰۰۰-۱۴۹

۱۵۰۵۸۲

تعهد نامه چاپ مطالب و مقالات مستخرج از پایان نامه یا رساله های دانشجویان دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

با عنایت به اینکه هر گونه مقاله استخراج شده از پایان نامه یا رساله و یا چاپ و انتشار بخشی یا تمام مطالب آن مبین قسمتی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه می باشد بنابراین اینجانب **سهراب عبدی زرین** دانش آموز آموخته رشته مشاوره متعهد می شوم که موارد ذیل را کاملاً رعایت نمایم.

۱. در صورت اقدام به چاپ هر مقاله ای از مطالب پایان نامه، خود را بعنوان دانش آموز آموخته دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی معرفی نمایم و درج نام و آدرس محل دیگری خودداری کنم.

۲. در صورت اقدام به چاپ بخشی از یا تمام پایان نامه یا رساله خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به اطلاع "انتشارات" و "دفتر تحصیلات تکمیلی" دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی برسانم.

۳. در صورت اقدام به چاپ پایان نامه یا رساله در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را درج نمایم:

"کتاب حاضر حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته مشاوره می باشد که در سال ۱۳۰۴/۰۹/۸۶ در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی به راهنمایی **سرکار خانم دکتر نسترن ادیب راد و مشاوره جناب آقای دکتر جلال یونسی** و جناب آقای **دکتر علی عسگری** انجام و در سال ۱۳۸۷ از آن دفاع شده است."

۴. به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک در صد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی اهداء نمایم.
(دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.)

۵. در صورت عدم رعایت بند ۴، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تادیه می کنم.

۶. قبول می نمایم و تعهد می کنم که در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند. بعلاوه به دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی حق می دهم به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه معادل وجه مذکور در بند ۵ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

اینجانب **سهراب عبدی زرین** دانشجوی رشته مشاوره مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آنرا بدون قید و شرط قبول می نمایم، و به انجام آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی **سهراب عبدی زرین**

امضاء و تاریخ

۱۳۸۷ / ۷ / ۱۱

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

تقدیر و تشکر

تشکر فراوان دارم از سرکار خانم دکتر ادیب راد که در تمام مراحل اجرای پایان نامه صمیمانه و با دقت اینجانب را یاری رساندند.

صمیمانه تشکر می‌کنم از جناب آقای دکتر یونسی و جناب آقای دکتر عسگری که قبول زحمت کرده و از راهنمایی‌هایشان استفاده کردم.

سپاسگزارم از جناب آقای دکتر مثنوی و جناب آقای دکتر ازخوش که به عنوان اساتید محترم داور حضور داشتند.

بی‌نهایت تشکر می‌کنم از خانم منصور، مدیر گروه محترم مشاوره دانشگاه شهید بهشتی که در دوران تحصیل کارشناسی و کارشناسی ارشد، با راهنمایی و حمایت بی‌دریغ مرا یاری رسانده‌اند.

کمال تشکر را دارم از خواهر گرانقدرم فاطمه که در تمام مراحل اجرای پایان نامه از کمک‌های ایشان بهره‌بردم.

تشکر می‌کنم از دوستانی که در اجرای پایان نامه با مساعدت‌هایشان اینجانب را یاری کردند از جمله: دکتر مسعود مظاهری، مهدی اکبریان، سید اکبر نصیری، حسین رضایی، سلمان نظری مقدم و رحم خدا جوادی.

فهرست مطالب

چکیده فارسی

۱- فصل اول (کلیات تحقیق).....	۱
۱-۱ مقدمه	۲
۱-۲ بیان مسئله	۴
۱-۳ ضرورت پژوهش	۶
۱-۴ اهداف پژوهش	۹
۱-۵ سوال ها و فرضیه ها	۱۰
۱-۶ متغیرها	۱۰
۲- فصل دوم (ادبیات تحقیق).....	۱۲
۲-۱ نوجوانی	۱۳
۲-۲ هویت	۱۴
۲-۳ نظریه های هویت	۱۶
۲-۴ رشد هویت	۲۰
۲-۵ پایگاه های هویت	۲۲
۲-۵-۱ انواع پایگاه هویت	۲۳
۲-۵-۲ الگوهای رفتاری پایگاه های هویت	۲۳
۲-۵-۳ تفاوت در پایگاه های هویت	۲۵
۲-۵-۴ مطابقت پایگاه های هویت و سبک های هویت	۲۷
۲-۶ سبک های هویت	۲۷
۲-۶-۱ انواع سبک هویت	۲۷
۲-۶-۲ تفاوت در سبک های هویت	۲۹
۲-۷ تعهد هویت	۳۱
۲-۸ عوامل تاثیرگذار بر هویت	۳۲
۲-۸-۱ خانواده	۳۲
۲-۸-۲ جنسیت	۳۵
۲-۸-۳ مذهب	۳۶

۳۷ ۲-۸-۴ ترتیب تولد
۳۸ ۲-۸-۵ اشتغال
۳۹ ۲-۹ اجتماع و فرهنگ
۳۹ ۲-۹-۱ نقش عوامل اجتماعی در شکل گیری هویت
۴۲ ۲-۹-۲ هویت اجتماعی
۴۴ ۲-۹-۳ نظریه هویت اجتماعی
۴۵ ۲-۹-۴ نظریه بین فرهنگی «خود»
۴۵ ۲-۱۰ نظریه یادگیری اجتماعی
۴۶ ۲-۱۰-۱ مفاهیم نظریه یادگیری اجتماعی
۴۸ ۲-۱۰-۲ خود
۴۹ ۲-۱۰-۳ منابع اطلاعات درباره‌ی خود کارآمدپنداری
۵۰ ۲-۱۰-۴ خود کارآمدپنداری
۵۳ ۲-۱۰-۵ مقایسه خود کارآمدپنداری با دیگر مفاهیم خود
۵۴ ۲-۱۱ مهاجرت
۵۷ ۲-۱۱-۱ دوره‌های اصلی مهاجرت افغانیها
۵۸ ۲-۱۱-۲ گونه‌شناسی مهاجرت افغانیها
۵۹ ۲-۱۱-۳ نظریه های مهاجرت
۶۱ ۲-۱۲ گروههای اقلیت
۶۳ ۲-۱۳ هویت قومی و ملی
۶۴ ۳- فصل سوم (روش شناسی تحقیق)
۶۵ ۳-۱ نوع مطالعه
۶۵ ۳-۲ جامعه ، نمونه و روش نمونه گیری
۶۷ ۳-۳ روش جمع آوری داده ها
۶۹ ۳-۴ روش اجرا
۶۹ ۳-۵ روش تجزیه و تحلیل داده ها
۷۰ ۳-۶ ملاحظات اخلاقی

۷۲..... فصل چهارم (یافته ها) ۴-

۷۳..... ۱- ۴ توصیف و تحلیل داده ها

۷۸..... فصل پنجم (نتیجه گیری)

۸۴..... محدودیت ها

۸۴..... پیشنهادهای

۸۵..... فهرست منابع

پیوست ها

چکیده انگلیسی

فهرست جداول

- جدول ۱-۳ اطلاعات مربوط به سال تحصیلی دانش آموزان ۶۶
- جدول ۲-۳ اطلاعات مربوط به رشته تحصیلی دانش آموزان ۶۶
- جدول ۳-۳ اطلاعات مربوط به محل تولد دانش آموزان ۶۶
- جدول ۴-۳ سؤالات مقیاس‌های سبک هویت ۶۷
- جدول ۱-۴ ضرایب همبستگی متقابل سبک‌های هویت، خودکارآمدپنداری
فردی و خودکارآمدپنداری جمعی در دانش آموزان ایرانی ۷۳
- جدول ۲-۴ ضرایب همبستگی متقابل سبک‌های هویت، خودکارآمدپنداری
فردی و خودکارآمدپنداری جمعی در دانش آموزان افغانی ۷۴
- جدول ۳-۴ نتایج آزمون Z فیشر برای مقایسه ضرایب همبستگی متقابل بین دانش آموزان پسر
دیپرستانی ایرانی و دانش آموزان پسر دیپرستانی افغانی ۷۵
- جدول ۴-۴ نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیری برای تفاوت سبک‌های هویت،
خودکارآمدپنداری فردی و خودکارآمدپنداری جمعی در دانش آموزان پسر دیپرستانی
ایرانی و دانش آموزان پسر دیپرستانی افغانی ۷۷

چکیده:

هدف از تحقیق حاضر بررسی رابطه بین سبک های هویت و خودکارآمدپنداری و مقایسه آن در دانش آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و افغانی ساکن قم است. جامعه مورد مطالعه شامل کلیه دانش آموزان پسر دبیرستانی شهر قم است و نمونه مورد مطالعه شامل ۲۳۱ دانش آموز پسر ایرانی و ۱۳۲ دانش آموز پسر افغانی بودند که با استفاده از نمونه گیری خوشه ای مورد مطالعه قرار گرفت. برای جمع آوری اطلاعات از آزمونهای سبک های هویت برزونسکی (تجدید نظر شده توسط وایت و همکاران)، خودکارآمدپنداری فردی بندورا و خودکارآمدپنداری جمعی کیم و پارک استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمونهای همبستگی پیرسون، Z فیشر و تحلیل واریانس چند متغیری استفاده گردید. نتایج نشان داد که بین سبک هویت اطلاعاتی و سبک هویت هنجاری و نیز بین خودکارآمدپنداری فردی و خودکارآمدپنداری جمعی در دو گروه رابطه مستقیم معنادار وجود دارد. هم چنین بین سبک هویت اطلاعاتی و سبک هویت هنجاری با خودکارآمدپنداری فردی و خودکارآمدپنداری جمعی در دو گروه رابطه مستقیم معنادار وجود دارد. از طرفی بین سبک هویت سردرگم و تعهد هویت رابطه منفی معنادار وجود دارد یعنی هرچه نمرات افراد در سبک سردرگم بیشتر است نمرات آنها در تعهد هویت پایین تر است. میزان همبستگی بین سبک هویت اطلاعاتی با خودکارآمدپنداری جمعی و سبک هویت هنجاری با خودکارآمدپنداری فردی و خودکارآمدپنداری جمعی در دانش آموزان افغانی قوی تر از دانش آموزان ایرانی بود. بین سبک های هویت در دانش آموزان ایرانی و دانش آموزان افغانی تفاوتی مشاهده نشد و هم چنین بین خودکارآمدپنداری فردی و خودکارآمدپنداری جمعی در دو گروه تفاوت معناداری بدست نیامده

لغات کلیدی: سبک های هویت، خودکارآمدپنداری فردی، خودکارآمدپنداری جمعی

فصل اول

کلیات تحقیق

۱- مقدمه:

ورود به دوره نوجوانی با تغییرات مهمی از جمله بلوغ جنسی، روابط صمیمانه با همسالان، ریسک کردن و تواناییهای جدید شناختی همراه است. این تغییرات انبوه، نوجوانان را وادار می سازد که به یگانگی و ثبات در تعریف خود بیندیشند و به دنبال آن باشند تا هویت^۱ خود را شکل دهند (برگر^۲، ۲۰۰۱). در این دوران، نوجوان به تصمیم گیری در حوزه های شغلی، مذهبی، سیاسی و جنسی می پردازد (مارسیا^۳، ۱۹۶۷).

برای اولین بار موضوع هویت به صورت دقیق توسط اریکسون^۴ در سال ۱۹۵۰ مطرح شد (رحیمی نژاد، ۱۳۷۹). اریکسون «وحدت هویت^۵» و «بحران هویت^۶» را تعارض عمده دوران نوجوانی می داند که در وحدت هویت فرد به انسجامی در باره خود رسیده است. اما در بحران هویت فرد در سردرگمی به سر می برد. (شهرآرای، ۱۳۸۴).

هم اکنون مطالعاتی در رشد هویت وجود دارد که تفاوت های فردی مهمی را در رفتار و ویژگی های فردیتی بین دانش آموزان دبیرستانی آشکار ساخته است. این یافته ها نشان می دهند که دانش آموزانی که در مقیاس هویت نمره بالای میانگین می آورند، قابل اعتمادتر، سازگارتر، خودپذیرتر، و از لحاظ فردیتی منسجم تر از دانش آموزانی هستند که نمرات هویت آنها پایین تر از حد متوسط است (شهرآرای، ۱۳۸۴).

مارسیا (۱۹۶۶)، نقل از نصرتی، مظاهری و حیدری؛ (۱۳۸۵) به طور تجربی تعارض هویت در برابر سردرگمی در هویت را با دقت تشریح نمود و چهار جنبه (پایگاه های هویت^۷) را بر اساس دو بعد تعهد^۸ و جستجوگری^۹ تشریح نمود. این چهار پایگاه هویت شامل هویت موفق (وجود تعهد و جستجوگری)، در حال هویت یابی (نبود تعهد و وجود جستجوگری)، هویت زودرس (وجود تعهد و نبود جستجوگری) و هویت سردرگم (نبود تعهد و جستجوگری) می باشد. پایگاه های هویت با افزایش سن افراد تغییر می کنند. افراد با افزایش سن از پایگاه های هویت نامطلوب به پایگاه های هویت مطلوب قدم می گذارند (شهرآرای، ۱۳۸۴).

برزونسکی^{۱۰} (۲۰۰۰) با دیدگاه شناختی-اجتماعی سبک های هویت^{۱۱}، شامل: ۱- سبک اطلاعاتی^{۱۲} ۲- سبک هنجاری^۱ ۳- سبک سردرگم / اجتنابی^۲ را مطرح نمود. این سبک ها در واقع شیوه های شناختی-اجتماعی برای پردازش اطلاعات مرتبط با خود می باشد.

^۱ identity
^۲ Berger
^۳ Marcia
^۴ Erickson
^۵ identity integration
^۶ identity crisis
^۷ identity status
^۸ commitment
^۹ exploration
^{۱۰} Berzonsky
^{۱۱} identity styles
^{۱۲} informational style

پژوهش واترمن^۳ (۱۹۹۷، نقل از شهرآرای، ۱۳۸۴) به طور ثابتی ارتباط روشنی را بین حالات پیشرفته تر هویت با سطح رشد خود، عملیات صوری، استدلال اخلاقی و خودکارآمد پنداری^۴ نشان داده است. از نظر بندورا^۵ (۱۹۸۰) خودکارآمد پنداری مشخص می کند که انسانها چگونه در خود انگیزه ایجاد می کنند و احساس، فکر و رفتار می کنند. خودکارآمد پنداری بالا، روی فرایندهای پایه شناختی، انگیزش، هیجان و فرایندهای گزینشی آنان اثر می گذارد. اینکه ما معیارهای رفتارمان را تا چه اندازه ای درست برآورد کرده باشیم، خودکارآمد پنداری ما را تعیین می کند. خودکارآمد پنداری فردی به این معنی است که شخص تصور کند قادر است پدیده ها و رویدادها را به منظور رسیدن به وضعیت مطلوب خود، با رفتار و کردار مناسب سازمان دهد. خودکارآمد پنداری به دو بخش یعنی خودکارآمد پنداری فردی^۶ و خودکارآمد پنداری جمعی^۷ تقسیم می شود (بندورا، ۲۰۰۲). از آنجا که افراد هم به صورت فردی و هم به صورت جمعی عمل می کنند، خودکارآمد پنداری می تواند هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی مفهوم سازی شود. خودکارآمد پنداری جمعی، ادراک های مشترک اعضای گروه را نشان می دهد که با قابلیت عملکرد نظام اجتماعی به عنوان یک کل مرتبط است و با تکالیف گروهی، تلاشها و افکار مشترک اعضای گروه و پیشرفت گروهها مرتبط است (بندورا، ۱۹۹۷).

خودکارآمد پنداری جمعی از شرایط و قرارگاههای تربیتی مانند خانواده و محیطهای آموزشی و گروه همسالان تاثیر می پذیرد (کیم و پارک^۸، ۱۹۹۹؛ نقل از مرتضوی، ۱۳۸۴). از جمله عوامل تاثیر گذار بر خودکارآمد پنداری عوامل فرهنگی است چنانچه مرتضوی (۱۳۷۰) عنوان می دارد تاثیر فرهنگ در خودکارآمد پنداری قابل توجه است زیرا خانواده، مدرسه، شغل در مقایسه با نظام فراگیر فرهنگی، نظام های خردتر محسوب می شوند و از آن تاثیر می پذیرند. تاثیر متقابل فرهنگ به عنوان نظام فراگیر از یکسو و نظام های خردتر مانند خانواده، مدرسه و نیز نظامهای شغلی از سوی دیگر نابرابر است و نظامهای کلان نظامهای خردتر را بیشتر تحت تاثیر قرار می دهند تا بر عکس. از این دیدگاه لازم است در پژوهش ساختارهای روان شناختی به تاثیر عامل فرهنگ توجه شود.

گروههای اقلیت که در اثر مهاجرتها و پناهندهگی بوجود می آیند گروههایی هستند که چهره جسمانی و عادات فرهنگی آنان برخلاف گروه غالب است و این امر موجب برخورد نابرابر و متفاوت با آنان می شود که رفتار و برخورد نابرابر عنصر اساسی در مفهوم جامعه شناختی گروه اقلیت است (کوئن، ۱۳۷۹). پناهندگان افغانی نزدیک به دویستم

^۱ normative style

^۲ diffuse / Avoidant style

^۳ Waterman

^۴ self-efficacy belief

^۵ Bandura

^۶ personal self-efficacy belief

^۷ collective self-efficacy belief

^۸ Kim & Park

جمعیت پناهنده دنیا را تشکیل می دهند و شمار آنها پنج میلیون نفر می باشد نزدیک به سه میلیون آواره افغانی در پاکستان و حدود دوونیم میلیون از این افراد در ایران سکنی گزیده اند (نظری تاج آبادی، ۱۳۷۹).

پدیده‌ی مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه، به‌ویژه ایران، یکی از اشکال مهاجرت بین‌المللی است که در دهه‌های اخیر، روند صعودی داشته است. این نوع مهاجرت از آن نظر که زائیده عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متعدّد می‌باشد قابل توجه است (جمشیدیها و عنبری، ۱۳۸۳).

گسترده و پیچیده بودن جوامع و از گروه‌های اقلیت بودن می‌تواند بر جریان شکل‌گیری هویت تاثیر گذار باشد (حاجی، ۱۳۸۴). وقتی نوجوانان اقلیت‌های قومی از لحاظ روان‌شناختی و اجتماعی حمایت می‌شوند مسائل دو گانه هویتی را حل می‌کنند. در مطالعه بر روی مکزیکی‌ها، آسیایی‌ها، آفریقایی‌های آمریکایی تبار در سنین دبیرستان و دانشگاهی، آنهایی که موفق به حل مسئله دستیابی به هویت شده بودند به طور معناداری در سازگاری روان‌شناختی نمرات بالایی به دست آوردند (شهرآرای، ۱۳۸۴).

۲-۱ بیان مسئله:

اریکسون (نقل از جوادی، ۱۳۸۷) معتقد بود که مرحله نوجوانی دوره‌ای بسیار مهم و بحرانی است زیرا در این زمان است که سؤال اساسی فرد در مورد هویت خود مطرح می‌شود که باید حل شود. اگر ارزشهای مورد تأکید والدین، معلمان و همسالان همخوان باشد، هویت یابی آسانتر صورت می‌گیرد. اما در جوامع پیچیده، هویت یابی برای بسیاری از نوجوانان کاری دشوار است. از دید اریکسون (۱۹۶۸، نقل از شولتز و شولتز^۱، ۱۳۸۳) افرادی که دچار بحران هویت می‌شوند، نمی‌دانند کی وجه هستند، به کجا تعلق دارند، یا به کجا می‌خواهند بروند. آنها ممکن است از صحنه عادی زندگی، تحصیل، شغل و ازدواج کناره بگیرند و یا ممکن است در جرم یا مواد مخدر هویتی منفی را بجویند. اریکسون به تاثیر نیرومند گروه‌های هم‌تا بر رشد هویت من در نوجوانی اشاره کرده است و از طرفی اعتقاد داشت که عوامل اجتماعی و تاریخی، شکل‌گیری هویت را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

فینی^۲ (۱۹۹۰، نقل از رحیمی نژاد، ۱۳۷۹) با مطالعه تعداد بسیار زیادی از نوجوانان (۱۲۳۸۶ نفر) تأثیر هویت قومی را بر حرمت خود، اعتماد به خود در تحصیل (خودکارآمدپنداری تحصیلی) و هدف زندگی در سه گروه آمریکایی سفیدپوست، سیاه‌پوستان و اسپانیایی‌زبانها و گروه سوم آسیایی‌های مقیم آمریکا مورد بررسی قرار دادند. نتیجه این پژوهش نشان داد که آمریکایی‌های سفیدپوست در پایین‌ترین، سیاه‌پوستان و اسپانیایی‌زبانها از بالاترین میزان هویت قومی و آسیایی‌ها در حد متوسط از هویت قومی برخوردار بوده‌اند. دیگر یافته جالب این است که هر چه سطح هویت قومی افزایش داشته، به همان نسبت سطح حرمت خود، هدف در زندگی و اعتماد به خود نیز افزایش نشان داده است.

^۱ Sholtz & sholtz

^۲ Feni

در مطالعه ای که بر روی مسلمانان پاکستانی مقیم انگلیس صورت گرفت و در جهت فهم این هدف بود که چگونه شهروندی به عنوان مدلی از هویت بوسیله افراد در رابطه با هویت ملی، اسلامی و قومی زمینه یابی می شود. در این باره دو نسل متفاوت از هویت شهروندی مشخص شد به گونه ای که نسل دوم هویت انگلیسی قوی به عنوان شهروندان انگلیسی با حقوق طبیعی شهروند متولد انگلیس داشتند. در مقابل آن نسل اول که از پاکستان مهاجرت کرده اند و هویت خود را به عنوان شهروند بیان می کنند اما به کشور بیگانه تعلق ندارند، آنها در آنجا زندگی می کنند به خاطر اینکه حالا فرزندانشان انگلیسی هستند (حسین و باگولی^۱، ۲۰۰۵).

مشکلات اجتماعی ناشی از مهاجرت، بسیار زیاد و گوناگون است. محرومیت هایی که بوم گزینان تجربه می کنند، عدم پذیرش جامعه جدید و وجود ضعف های احتمالی اخلاقی در محیط قبلی مهاجران، موجب اقدام به جنایت یا اشکال دیگر رفتار ضد اجتماعی آنها می شود (وحیدی، ۱۳۷۴). نوجوانان دارای پیشینه کم ارزش (گروه اقلیت)، طی دوره های شکل گیری هویت بار سنگینی را متحمل می شوند. در بین این گروهها حمایت کلی اجتماعی بر اثر اکتشاف فعال کم است و این مانعی است برای کسب هویت. نوجوان دارای پیشینه قومی اقلیت، منابع کمکی (رسانه های جمعی و...) اندکی دارد و با تعارضات روان شناختی بزرگتری روبرو می شود. برنامه های مدرسه اغلب می توانند کمک کننده باشند (شهرآرای، ۱۳۸۴). از طرف دیگر اینکه زندگی کردن به صورت یک فرهنگ اقلیت یا داشتن عضویت گروهی متضاد، لزومی بر تاثیر نامطلوب در تشکیل هویت ندارد (شولتز و شولتز، ۱۳۸۳).

مهاجرت خانوادگی، ممکن است الگوهای بستگیهای خانوادگی مربوط به خود را بیاورد که امکان دارد با این الگوها در کشور محل زندگی متفاوت باشد و ادغام در سطح اجتماعی و فرهنگی را به تعویق اندازد. گوناگونیهای شدید در زبان، مذهب، ظاهر جسمانی، آداب و رسوم اجتماعی و سن فرهنگی، مانع ادغام می شوند. به هر حال در بسیاری از موارد، ارزشهای فرهنگی منتقل شده از کشور اصلی، برای خود بوم گزینان به قدر کافی قوی است و زد و خوردها و کشمکشهای ناشی از عدم ادغام فرهنگی و جنایت با شدت بیشتر در نسل دوم ظاهر می شود. فرزندان از دو جهت در فشار هستند، آنچه در مدرسه و خارج از خانه فرا می گیرند اغلب در تضاد با آن چیزی است که در محیط خانواده می آموزند. نتیجه این است که این نسل، کمتر از والدین خود پیرو قانون است. میزان خود کشیها و بیماریهای روانی، در بین بوم گزینان بیشتر از جمعیت بومی است. در سوئد احساس شده است که بوم گزینان هویت ملی کشور و نیز تعادل اجتماعی، سیاسی و مذهبی داخلی آنها در معرض خطر قرار داده اند (وحیدی، ۱۳۷۴). در تحقیقی که در مورد افسردگی مهاجرین افغانی در اردوگاه بردسیر کرمان صورت گرفت نتایج نشان داد که شیوع کلی افسردگی در این مهاجران ۵۳ درصد است و بیشترین میزان افسردگی در افرادی با طول پناهندگی ۱۵۰-۱۴۱ ماه دیده شد. مشکل انطباق

^۱ Hussain & Bagguley

فرهنگی و دوری از وطن در بسیاری از موارد در مهاجران به صورت افسردگی، افکار خودکشی و... خود رانشان می دهد (معتمدی، نیکیان و رضازاده، ۱۳۸۲).

ژان استوتزل^۱، در مبحث احساس حقارت، وضع چنین شخصی را اینگونه توصیف می کند: وضع آدم مطرود یا سرگردان یعنی کسی که گرفتار نظام های متناقض است گروههایی که به آنها تعلق دارد، یکی پس از دیگری او را قبول و طرد می کنند، فرد مهاجر یکی از نمونه های آن و نوجوانی، سرگذشت خاصی از آن است (آقاعباسی، ۱۳۸۲). نوجوانانی که اعتماد، خودپیروی، ابتکار و کارآمدی را در مراحل اولیه رشد کسب کرده بودند، سطوح بالایی از وحدت هویت را نشان دادند (شولتز و شولتز، ۱۳۸۳). تحقیقات مختلف رابطه بین هویت و خودکارآمدپنداری را با سازگاری اجتماعی و سلامت روان شناختی و نیز در جهت دیگر با مشکلات روان شناختی نشان داده است (شهرآرای، ۱۳۸۴). خودکارآمدپنداری در بررسی مسائل بالینی مانند فویبا، افسردگی، مهارت های اجتماعی، ابراز وجود، سلامتی و در کارکردهای ورزشی به کار رفته است (پاجارس^۲، ۱۹۹۶). بندورا معتقد است که افرادی که از لحاظ خودکارآمدپنداری ضعیف هستند، ممکن است به الکل، کناره گیری یا دنیای خیالی روی آورند که در آن می توانند به سطحی بالاتر از ظرفیت و توانایی خود نایل شوند. افراد دارای خودکارآمدپنداری ضعیف، احساس درماندگی دارند و ناتوان در اعمال هر گونه نفوذ و تاثیر روی رویدادها و شرایطی که آنان را تحت تاثیر قرار می دهد، هستند. خودکارآمدپنداری می تواند تمام جنبه های زندگی را تحت تاثیر قرار دهد (شولتز و شولتز، ۱۳۸۳).

با توجه به اینکه از گره های اقلیت بودن و زمینه های اجتماعی و فرهنگی بر شکل گیری هویت تاثیر گذار هستند و هم چنین این عوامل با خودکارآمدپنداری فردی و جمعی در رابطه هستند. سوال اساسی تحقیق این است که با توجه به اینکه دانش آموزان دبیرستانی افغانی که مهاجر بین المللی بوده و از گروه اقلیت جامعه به شمار می آیند در قیاس با هم تیان ایرانی از لحاظ سبک های هویت و خودکارآمدپنداری فردی و جمعی در چه وضعیتی قرار دارند.

۳-۱ ضرورت پژوهش :

تاثیر متقابل فرهنگ به عنوان نظام فراگیر از یکسو و نظام های خردتر مانند خانواده، مدرسه و نیز نظام های شغلی از سوی دیگر نابرابر است و نظام های کلان نظام های خردتر را بیشتر تحت تاثیر قرار می دهند تا بر عکس. از این دیدگاه لازم است در پژوهش ساختارهای روان شناختی به تاثیر فرهنگ توجه شود (مرتضوی، ۱۳۷۰). مطالعات بین فرهنگی^۳ در حال حاضر مورد توجه است و قرار گرفتن این تحقیق در مطالعات بین فرهنگی اهمیت آن را دو چندان می کند. بین خودکارآمدپنداری فردی و جمعی رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد، بین خودکارآمدپنداری فردی و جمعی با موفقیت تحصیلی رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد (مرتضوی، ۱۳۸۴).

^۱ Jan estotzel

^۲ Pajares

^۳ cross - cultural

مطالعات گادارد^۱ (۲۰۰۱) ارتباطی قوی را بین خودکارآمدپنداری جمعی و پیشرفت دانش آموزان نشان داده است حتی قوی تر از ارتباط مستقیم بین وضعیت اجتماعی-اقتصادی و پیشرفت دانش آموزان. نتایج این تحقیق می تواند در امر پیشرفت تحصیلی و افت تحصیلی دانش آموزان کمک کننده باشد. به خصوص در مورد دانش آموزان اول دبیرستان که در مرحله انتخاب رشته تحصیلی قرار دارند. مشاوران مدارس در پایان سال اول دبیرستان دانش آموزان را در امر هدایت تحصیلی کمک می کنند و دانش آموزان را به رشته های نظری یا فنی هدایت کنند. یکی از موارد بسیار مهم در امر هدایت تحصیلی شخصیت دانش آموزان است که ارتباط بسیار نزدیکی با هویت دارد چراکه "هویت افراد می تواند گرایش افراد به رشته های مختلف را نشان دهد و تا افراد خود را شناسند انتخاب درستی نخواهند کرد" (نقل از هالند، ۱۳۷۹). از طرف دیگر این مورد ارتباط نزدیکی با خودکارآمدپنداری دارد چراکه خودکارآمدپنداری ارتباط نزدیکی با پیشرفت تحصیلی دارد و پیشرفت تحصیلی منجر به کسب نمره علمی لازم برای ورود به رشته های دلخواه می گردد.

خودکارآمدپنداری پیش بین مناسبی برای پیامد هایی از قبیل انتخاب رشته تحصیلی و شغلی هستند و یک سازه مهم در زمینه هایی چون مشاوره تحصیلی و شغلی است (احمدیان، ۱۳۸۵).

در جنبه بالینی و درمانی نیز مشاوره و روان درمانی بیش از همه حوزه های روان شناختی می تواند از موضوع هویت سود ببرد و توجه به شکل گیری هویت مراجع و وضعیت سلامت روانی کنونی او برای درمان بسیار سودمند است، ولی بی توجهی به آن نتایج زیانباری را در جریان مشاوره و روان درمانی در پی دارد. برای مثال مارسیا مطرح می کند که زیر سؤال بردن مستقیم رفتار افراد بدون در نظر گرفتن وضعیت هویتی فرد از سوی مشاور و درمانگر، منجر به سخت تر شدن دفاع های او شده، یا باعث می شود مراجع دچار یک افسردگی حاد شود؛ زیرا هر رفتاری، تعیین کننده رضایت و عزت نفس و امنیت فرد می باشد و نباید مراجع را از آن محروم کرد (ادبی، ۱۳۷۹).

اریکسون (نقل از شولتز و شولتز^۲، ۱۳۸۳) بر نقش نیروهای محیطی یا اجتماعی تأکید کرد و فرایند رشد را تحت تأثیر متغیرهای فردی و موقعیتی می دانست. یافته ها نشان می دهند که زمینه های اجتماعی تجربه های نوجوانان در تجربه روان شناختی بحران هویت نقش دارند (شهرآرای، ۱۳۸۴). در مطالعه ای که بر روی ۵۱۳ نوجوان مکزیکي الاصل که در ایالات متحده زندگی می کردند صورت گرفت مشخص شد که عوامل بوم شناختی، اجتماعی شدن قومی خانواده و خودمختاری در کسب هویت قومی نوجوانان موثر بود. همچنین اجتماعی شدن قومی خانواده با کسب هویت قومی خانواده رابطه مثبت معناداری داشت. این یافته ها پیشنهاد می کند که عوامل بوم شناختی به طور غیر مستقیم از طریق اجتماعی شدن قومی خانواده در کسب هویت قومی موثر است (اوماناتیلور و فاین^۳، ۲۰۰۴). تحقیقات (چا^۴، ۲۰۰۲؛ نقل

^۱ Gadard

^۲ Sholtz & sholtz

^۳ Umana – Tailor & Fine

^۴ Chae

از حسین نژاد، ۱۳۸۵) در زمینه تعلق داشتن به گروه‌های قومی و اقلیت‌ها اشاره به تفاوت‌هایی در جریان شکل‌گیری هویت، هم بین افراد متعلق به آن قومیت و هم گروه‌های اقلیت و قومی با گروه اکثریت دارد. البته مسئله قومیت‌ها بر عکس متغیرهای دیگر در بین تحقیقات جایگاه کمتری به خود اختصاص داده است. تعداد زیادی از محققان، نقش مؤلفه‌های مختلف را (به عنوان مثال جهت‌گیری مذهبی و سیاسی) در شکل‌گیری هویت مطالعه نموده‌اند. البته تعداد کمی از محققان نقش مهم قومیت را در شکل‌گیری هویت مورد بررسی قرار داده‌اند.

بررسی سبک‌های هویت و خودکارآمدپنداری (فردی و جمعی) در نوجوانان افغانی کمک خواهد کرد که نقش مهاجرت در این زمینه مشخص گردد و از طرفی نقش اقلیت، فرهنگ و تعلیم و تربیت روشن می‌شود.

سوگیری‌های تعلیم و تربیت تک‌فرهنگی می‌تواند منجر به کاهش همدلی‌های اخلاقی، اجتماعی و ملی، سردرگمی هویت، از خود بیگانگی و ترس از جدا شدن از ریشه واقعی خود را در افراد دارای خرده فرهنگ منجر شود. آموزش و پرورش تک‌بعدی می‌تواند بحران هویت را تشدید کند. به خصوص برای گروه اقلیت که پیشینه تاریخی و خانوادگی دیگری دارد (سجادی، ۱۳۸۴). فرهنگ و هویت فرهنگی، در مبحث تعلیم و تربیت چند فرهنگی بسیار با اهمیت می‌نماید و بدیهی است که فرهنگ منبع مهم ادراک، احساس و هویت فردی ما است (سجادی، ۱۳۸۴). بین سطوح بالاتر هویت فرهنگی و سازگاری روان‌شناختی بهتر و عزت نفس بالاتر رابطه وجود دارد (علیخانی، ۱۳۸۳).

نتایج متفاوتی که در تحقیقات بدست آمده است (حسین و باگولی، ۲۰۰۵؛ شهرآرای، ۱۳۸۴؛ وحیدی، ۱۳۷۴ و...) یکی از دلایل انجام این تحقیق است. تا به حال تحقیقاتی در باره هویت و خودکارآمدپنداری صورت گرفته است اما در رابطه بین هویت و خودکارآمدپنداری در ایران تحقیقی صورت نگرفته است و از طرفی این دو متغیر وابسته به فرهنگ است و توجه به این نکته لازم است که در بررسی این مولفه‌ها باید بافت اجتماعی و فرهنگی آن جامعه لحاظ گردد.

محقق با مشاهده مشکلاتی که مهاجران افغانی با آن دست به گریبان هستند از جمله مشکلات اقتصادی و اجتماعی و از طرف دیگر برنامه مشخصی در باره اقامت دائم یا اقامت موقت آنها وجود ندارد و نکته قابل توجه دیگر این تحقیق که تا به حال تحقیقات بسیار اندکی در مورد افغانی‌ها صورت گرفته است و در ایران تحقیقی در مورد هویت و خودکارآمدپنداری آنها صورت نگرفته است محقق علاقه مند و کنجکاو به این تحقیق است و اینکه آیا آنها با فرهنگ و جامعه ایرانی خود را سازگار کرده‌اند و یا اینکه این چنین نیست و مشکلات بیشتری دارند. و نتایج این تحقیق زمینه ساز تحقیقات بعدی در مورد مهاجرین افغانی خواهد بود چراکه در این زمینه تحقیقات بسیار کمی صورت گرفته است و این تحقیق کمک خواهد کرد که تحقیقات مشابه دیگری صورت گیرد.

در رابطه با این طرح محقق تعاملاتی را با سفارت کبری افغانستان انجام داد که از طرف سفارت کبری افغانستان انجام چنین تحقیقی را بسیار مفید دانسته و از این طرح استقبال کرده و ضرورت انجام این تحقیق تایید شده است.

۴- ۱ اهداف پژوهش:

الف-هدف کلی: بررسی رابطه سبک های هویت و خود کارآمدپنداری(فردی و جمعی) در پسران دبیرستانی ایرانی و افغانی دبیرستان های قم و مقایسه آن است.

ب-اهداف اختصاصی :

- تعیین سبک های هویت در دانش آموزان پسر ایرانی .
- تعیین سبک های هویت در دانش آموزان پسر افغانی .
- تعیین خود کارآمدپنداری فردی در دانش آموزان پسر ایرانی
- تعیین خود کارآمدپنداری فردی در دانش آموزان پسر افغانی
- تعیین خود کارآمدپنداری جمعی در دانش آموزان پسر ایرانی.
- تعیین خود کارآمدپنداری جمعی در دانش آموزان پسر افغانی.
- تعیین رابطه خود کارآمدپنداری فردی و جمعی در هر دو گروه.
- تعیین رابطه سبک های هویت و خود کارآمدپنداری(فردی و جمعی) در هر دو گروه.

ج- اهداف کاربردی :

مشاوران مدارس در پایان سال اول دبیرستان دانش آموزان را در امر هدایت تحصیلی کمک خواهند کرد و دانش آموزان را به رشته های نظری یا فنی هدایت کنند. یکی از موارد بسیار مهم در امر هدایت تحصیلی شخصیت دانش آموزان است که ارتباط بسیار نزدیکی با هویت دارد چراکه هویت افراد می تواند گرایش افراد به رشته های مختلف را نشان دهد و تا افراد خود را شناسند انتخاب درستی نخواهند کرد. از طرف دیگر این مورد ارتباط نزدیکی با خود کارآمدپنداری دارد چراکه خود کارآمدپنداری ارتباط نزدیکی با پیشرفت تحصیلی دارد و پیشرفت تحصیلی منجر به کسب نمره علمی لازم برای ورود به رشته های دلخواه می گردد.

دانش آموزان پیش دانشگاهی که سه سال دبیرستان را طی کرده اند انتظار می رود هویت خود را به طور موفق شکل داده باشند که اگر چنین باشد خواهند توانست در زمینه انتخاب رشته دانشگاهی با موفقیت عمل کنند . در مشاوره تحصیلی مبحث هویت و خود کارآمدپنداری دانش آموزان بسیار مهم است. مشاهده می شود در مدرسه یا کلینیک مشاوره مراجعین نوجوان حضور پیدا می کنند که در تصمیم گیری برای انتخاب رشته تحصیلی مشکل دارند و یا دچار افت تحصیلی هستند که مشاور در اینجا می تواند مبحث هویت و خود کارآمدپنداری را مطرح کند.

۱-۵ فرضیه ها و سوال ها :

بین سبک های هویت اطلاعاتی و هنجاری با خودکارآمدپنداری فردی بالا و خودکارآمدپنداری جمعی بالا رابطه مستقیم وجود دارد.

آیا در رابطه بین سبک های هویت و خودکارآمدپنداری فردی و جمعی در دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد؟
آیا بین دانش آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و دانش آموزان پسر دبیرستانی افغانی در سبک های هویت تفاوت معناداری وجود دارد؟

آیا بین دانش آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و دانش آموزان پسر دبیرستانی افغانی در خودکارآمدپنداری فردی تفاوت معناداری وجود دارد؟

آیا بین دانش آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و دانش آموزان پسر دبیرستانی افغانی در خودکارآمدپنداری جمعی تفاوت معناداری وجود دارد؟

۱-۶ متغیرها :

متغیر مستقل : ملیت (ملیت ایرانی و افغانی که در سطح مقیاس اسمی است).

متغیر وابسته : سبک های هویت (این متغیر در مقیاس نسبی بوده و بر اساس نمره کسب شده فرد در پرسشنامه است که طبق نظر برزونسکی سبک های هویت شامل سبک هویت هنجاری، سبک هویت اطلاعاتی و سبک هویت سردرگم است از طرف دیگر اینکه تعهد هویت یک سبک هویت محسوب نمی شود).

خودکارآمدپنداری (فردی و جمعی)، (این متغیر در مقیاس نسبی و بر اساس نمره کسب شده فرد در پرسشنامه است).

متغیر کنترل : جنسیت (در نظر گرفتن یک سطح از دو سطح، این متغیر در مقیاس اسمی است).

مقطع تحصیلی: (در نظر گرفتن مقطع دبیرستان از مقاطع گوناگون، این متغیر در مقیاس طبقه ای است).

(دانش آموزان اول ، دوم و سوم دبیرستان که در سنین نوجوانی قرار دارند نمونه های تحقیق خواهند بود).

طبق نظر اریکسون سن ۱۸-۱۴ مربوط به دوره نوجوانی است که در این سن هویت نوجوانان شکل می گیرد و در نظریه بندورا خودکارآمد پنداری برای سنین نوجوانی مطرح است و تحقیقات مختلف رابطه این دو متغیر را نشان داده است (شولتز و شولتز، ۱۳۸۳).